



امام روح الله (ع) محرم، ماه مبارزه با ظلم

با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و ماه فداکاری آغاز شد. ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد. ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطله، بر جبهه ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زد. ماهی که به نسل‌ها، در طول تاریخ، راه پیروزی بر سرنیزه را آموخت؛ ماهی که شکست ابرقدرت‌ها را در مقابل کلمه حق، به ثبت رساند. ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت.

صحیفه امام، جلد ۵، صفحه ۷۵

اجتماع مؤمنین در کلام معصومین (ع)

مهدی کهکی

مدار ولایت» منجر می‌شود تا مؤمنین به حقیقت ولایت، با هم یکپارچه شوند که تذکر به احادیث اهل‌البيت (ع) یکی از مراتب آن است. اگر این اجتماع باعث شد معرفت عمیق‌تری ایجاد شود، مرتبه‌عالی‌تری از «تذاکر امر» است، اما نفس همین جمع‌شدن حول امر ولایت نیز مدوح و مطلوب است؛ چون روح جمعی بر مسیر ولایت شکل می‌گیرد و مسیر، غایت و هدف این اجتماع را مشخص می‌کند.

این اجتماع ملاحظاتی نیز دارد، از جمله اینکه با نبی الهی برپا شده باشد و اغراض دنیایی همچون ریا و تفاخر به یکدیگر در هیچ یک از مراحل راه نداشته باشد، زیرا وجود چنین مواردی در مجالس و هیئات، آنها را از کارکرد اصلی و واقعی خود دور ساخته و نتیجه مطلوب و اثرگذاری واقعی را از آنها سلب می‌کند. از جمله دیگر ملاحظات، رعایت حق‌الناس است. مواردی همچون عدم راه‌بندان، عدم ایجاد سروصدای شبانه که مزاحم زندگی مردم شود از جمله نکاتی است که در مراسمی که با نام اهل‌بيت، گره‌خورده است باید بیشتر رعایت شود تا نه تنها مردم از دین رانده نشوند، بلکه به آن جذب هم بشوند. همچنین توجه به تمیزی و نظافت کوچه و خیابان، عدم اسراف در برنامه‌هایی چون پذیرایی، اطعام و... از دیگر مواردی هستند که باید در مجالس اهل‌بيت (ع)، بیش‌ازپیش به آنها توجه شود. به‌تصريح روایات، معصومین ناظر بر اعمال و افکار ما هستند و دائم برای توفیق و تسدید در کارهایمان دعا می‌کنند؛ لذا هر چقدر باور ما به توجه امام به ما بیش‌تر شود، اثر دعای حضرت را در کارهایمان بیش‌تر می‌بینیم. این توجه اهل‌بيت در اجتماع قلوب مؤمنین شدیدتر است، تا جایی که فرمودند: «اگر قلوب شیعیان ما مجتمع می‌شد و تفرقه و تشتت میان آنان نبود، پرده غیبت برداشته می‌شد و میمنت و برکت لقای امام محقق می‌گشت.» لذا حکمت برپایی مجالس مؤمنین، بر مدار ارتباط قلبی با امام، آمادگی برای حضور در محضر امام و همان راهبرد ایشان برای احیای امر اهل‌بيت (ع) است.

یکی از مباحث مهم در مناسک دینی و احیای امر اهل‌بيت (ع)، بحث اجتماع مؤمنین و جمع‌شدن آنها در کنار یکدیگر به‌منظور احیای امر اهل‌بيت (ع) است. روایات متعددی به بحث احیای امر اهل‌بيت (ع) پرداخته‌اند. در یکی از این روایات، امام صادق (ع) به اصحابشان می‌فرماید: «تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَذَاكَرُوا أَمْرًا وَ أَحِبُّوهُ» به دیدار و ملاقات یکدیگر بروید و امر ولایت ما را به هم یادآوری کنید و آن را زنده نگه دارید. «أَمْرَنَا» که در روایات متعددی تکرار شده، به تعبیر امروزی و با تسامح، به معنای راه و مکتب است. «أَحِبُّوا أَمْرَنَا» یعنی راه و مکتب ما را زنده نگه دارید. چراکه این راه و مکتب، باعث تحقق و ظهور ولایت ایشان می‌شود.

اقامه و برپایی مجالس و هیئات، از مصادیق بارز احیای امر اهل‌بيت (ع) است. یکی از اصحاب امام صادق (ع) به نام فضیل با ایشان ملاقات می‌کند. ایشان از او می‌پرسند: «تَجْلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ» آیا با یکدیگر نشست و برخاست دارید و با هم گفت‌وگو می‌کنید؟ فضیل پاسخ می‌دهد: «بله فدایتان شوم، این کار را می‌کنیم.» امام می‌فرماید: «إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَجْبُهَا» من این مجالس را دوست دارم. بعد می‌فرماید: «فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا» خدا رحمت کند کسی که امر ما اهل‌بيت را با برپایی این مجالس زنده بدارد، یعنی نفس ارتباط مؤمنین و یادآوری ولایت اهل‌بيت (ع) منجر به احیای امر ایشان می‌شود.

در روایتی دیگر، معتب، خادم امام صادق (ع) می‌گوید: زمانی که داود بن سرحان قصد برگشتن به شهر خود را داشت، به دیدار امام صادق (ع) آمد. امام به او فرمودند: «يَا دَاوُدُ أَلْبِغْ مَوْلِي عَنِّي السَّلَامَ» ای داوود! از من به شیعیانم سلام برسان. امام در ادامه می‌فرماید: «وَ أَنِّي أَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَمَعَ مَعِ آخَرٍ فَتَذَاكَرَ أَمْرَنَا» به شیعیان ما بگو که امام شما می‌گوید: خدا رحمت کند شیعیانی را که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و امر ما را به یکدیگر یادآوری می‌کنند.»

«تَذَاكَرَ أَمْرَنَا» یعنی همین ارتباط دوطرفه که به «ارتباط بر

این محبت یک رابطه متقابل است؛ یعنی هم امام نسبت به مؤمن محبت می‌ورزد و هم او به امام حب دارد که این را با عمق جان درک می‌کند. همان‌طور که بیان شد مؤمنینی که در هیئت حضور دارند، تلاش می‌کنند که پیوند عمیق و مستحکم قلبی بین خود و امام برقرار کنند تا یک رابطه ولایی با او تشکیل دهند. به بیان دیگر امام، موضوع و محور مشترک میان مؤمنین (زائرین) است و همه آنها در راه رسیدن به او تلاش می‌کنند تا به حقیقت باطنی امام دست پیدا کنند. این اتحاد وجودی آنها با امام معصوم موجب می‌شود که یک رابطه ولایی بین خود مؤمنین شکل گیرد. این ولایتی که میان آنها به وجود می‌آید از همان جنس ولایتی است که بین امام و مؤمن برقرار است ولی رابطه‌ی آن میان آنها، از نوع ولایت عرضی است که باعث نزدیکی قلوب مؤمنین به یکدیگر می‌گردد.

با عمیق‌تر شدن این رابطه ولایی میان مؤمنین، یک جامعه‌ی مستحکم ایمانی به وجود خواهد آمد. اعضای این جامعه چنان به هم پیوستند که هیچ عامل بیرونی قادر به جدایی انداختن میان آنها نیست؛ چرا که محبت و مودت میان آنها باعث شده که پیوندی محکم میانشان برقرار شود. در حقیقت امر، این ولایت امام موجب اتصال فرد فرد آنها حول خود شده و آنها را به یک حقیقت متحد وجودی تبدیل می‌کند که یک روح مشترک بر آنها حاکم است که خود موجب محبت و یکدلی بیش‌تر میان مؤمنین می‌شود.

پس هیئت از آن چنان ظرفیت گسترده‌ی فرهنگی برخوردار است که در آن می‌توان به یک جامعه‌ی متحد توحیدی دست‌یافت که مؤمنین حول محور ولایت معصوم گرد هم آمدند و نسبت به یکدیگر محبت می‌ورزند و این محبت همان محبت حقیقی است.

کما اینکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«إِنَّ لِقَاتِ الْحُسَيْنِ خِرَازَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»

همانا شهادت حسین حرارتی در دلها ایجاد میکند که هرگز خاموش نخواهد شد.

(مستدرک ج ۱ ص ۳۱۸)



حاج قاسم سردار اتحاد

مجتبی صالحی



همان طوری که رهبر معظم انقلاب علیه السلام فرمودند: «این که ما بایسیم حوادث را قیمت گذاری کنیم قدر آن‌ها را بدانیم و ببینیم که اندازه و قیمت این حوادث چقدر است در صورتی تحقق پیدا می‌کند که با حاج قاسم سلیمانی شهید عزیز و ابومهدی شهید عزیز به یک چشم یک فرد نگاه نکنیم به آن‌ها به چشم یک مکتب نگاه کنیم.»

● نقش حاج قاسم در اتحاد امم اسلامی بالاخص در فلسطین

حاج قاسم سلیمانی فرزند خلف تفکر جان‌فزا و اصیل اسلامی بود؛ آن‌طور که در سال‌های اخیر ایشان را نماد مقاومت در منطقه می‌دانند. مستند به هفته‌نامه آمریکایی نیوزویک که در صفحه بین‌المللی خود در سوم دسامبر ۲۰۱۴ تصویری از ژنرال قاسم سلیمانی را روی جلد خود چاپ کرد و در کنار آن نوشت: او با آمریکا می‌جنگید و الان داعش را درهم می‌کوبد. او فردی باهوش و عاشق نبرد و زبده این کار است و بعد از آن‌هم مجله آمریکایی foreign policy در سال ۲۰۱۹ در دهمین گزارش سالانه خود پیرامون معرفی یکصد متفکر برتر جهان در عرصه‌های مختلف ژنرال قاسم سلیمانی را به‌عنوان مهم‌ترین شخص در بین ۱۰ چهره برتر در حوزه‌های امنیتی دفاعی جهان معرفی می‌کند. باید این نکته را هم در نظر بگیریم که وقتی گفته می‌شود سردار سلیمانی در منطقه به نماد مقاومت تبدیل شده‌اند نباید بر این امر مشتبه شویم که این مبارزه و مقاومت به‌خودی‌خود در تفکر اسلامی اصالت دارد این دقیقاً یکی از مرزهایی است که ما را از مارکسیسم جدا می‌کند. در تفکر اسلامی مقاومت و مبارزه مقید به نتیجه‌ای است که همان طوری که اشاره شد زمینه‌سازی برای حکومت جهانی حضرت حجت است.

شاید یکی از مهم‌ترین اقداماتی که سردار شهید سلیمانی در مسیر اتحاد امم اسلامی انجام دادند این بود که هر کنشگری را در قواعد ملی و محلی کشور خود رشد دادند؛ یعنی هر کس در صحنه بومی خود رشد می‌کند که این عمل منجر به شبکه‌سازی نیروهای محلی و بومی مثل زینبیون پاکستان فاطمیون افغانستان حیدریون عراق و علویون سوریه شد.

این‌گونه اقدامات و تلاش‌های سردار شهید در منطقه پرده از انوار قدسی اسلام و مقاومت که کورسویی از آن می‌تابید برداشت و خورشید عالم ساز و استکبار سوز مقاومت را به همگان عرضه کرد همان طوری که تلاش‌های ایشان در رهبری محور مقاومت باعث تغییر راهبرد نظامی رزمندگان فلسطینی در برخورد با رژیم اشغالگر قدس شد و به قول رهبر انقلاب: این مرد دست فلسطینی‌ها را پر کرد. کاری کرد که یک منطقه کوچکی مثل غزه در مقابل رژیم صهیونیستی با آن‌همه ادعا می‌ایستد و بلایی بر سر آن‌ها می‌آورد رد که رأس ۴۸ ساعت می‌گویند بیایید آتش بس بدهیم.

اسرائیل از اواخر دهه ۹۰ میلادی که جهان با ازهم‌پاشیدن بلوک شرق آستان تغییرهای بنیادین بود کوشش می‌کرد با جزیره، جزیره کردن فلسطین و تجمع فلسطینی‌ها در این جزایر جدا از هم وحدت این نیروها را درهم بشکند. سردار سلیمانی وحدت نیروهای فلسطینی را از نخستین اولویتهای مقاومت می‌دانستند جنگ ۲۲ روزه نمایانگر بازگشت نیروهای فلسطینی به جهان وحدت و اتحاد است.

برای یافتن دلیل این موفقیت در احیا وحدت درونی فلسطین شاید باید با این سخن ناصر ابو شریف نماینده جنبش اسلامی هم‌قطار شویم که شهید سلیمانی نگاهی عبادی به فلسطین داشت.

آتش آن دارند چه وجوبی دارد؟ آیا اکنون کاملاً محقق شده و یا فقط خشت‌های اول این بنای عظیم گذاشته شده است و در اول راه است؟ چه کسانی در خشت گذاری این بنا سهیم بوده‌اند؟

همان طوری که در حدیث فوق اشاره شد یکی از موانع ظهور حضرت حجت عدم اتحاد و هم‌بستگی شیعیان است؛ یعنی ظهور و زمینه‌سازی برای آن علت غایی هم‌بستگی و اتحاد امم اسلامی است همان طوری که تفکری که در بطن انقلاب اسلامی توسط امام خمینی علیه السلام و دیگر اندیشمندان شکل گرفت علت فاعلی این اتحاد و هم‌بستگی است.

گفته شد تفکری که در بطن انقلاب اسلامی شکل گرفت و تصویر جدیدی که از تشیع و اسلام که در اصل تصویر حقیقی آن بود داده شد علت فاعلی هم‌بستگی و اتحاد امم اسلامی در جهان اسلام بود. سردار سلیمانی از رهروانی بود که با راه وحدت پیدا کرده بود وقتی گفته می‌شود مکتب شهید سلیمانی نباید دچار کثرت بینی شویم و غیریتی میان راه و رهرو قائل شویم چه رهروی به‌سان او آن قدر مرزهای راه را حفظ کرده و در آن غرق شده است که با راه وحدت یافته و امکان جداسازی راه و رهرو در این مورد وجود ندارد به طریقی دیگر رابطه تضایف میان این دو است همان طوری که سردار سلیمانی و شخصیت او در این راه قوام پیدا کرد او نیز با تلاش و مجاهدت خالصانه خود به این راه قوام داد.

قال مولانا الامام المهدی علیه السلام: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا . وَقَفَّهْمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ . عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمِينَ بِلِقَائِنَا ، وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا ، فَمَا يَحْسَبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِنْهَا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ»

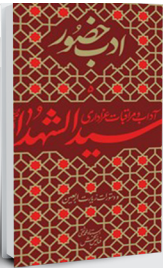
اگر شیعیان ما (که خداوند توفیق طاعتشان دهد) در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آن چه از کردار آنان به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.»

اتحاد، وحدت و هم‌بستگی از واژگانی است که گاهی در یک‌بار معنایی بکار می‌روند؛ واژگانی که شاید تا مقید به قیدی و مزین به مضاف‌الیهی نشوند ادراک مفهوم دقیق آن‌ها کمی دشوار بنماید.

منظور این است به‌مجرد بر زبان آوردن لفظ اتحاد جز معنی گنگی که زمینه آن هم معلوم نیست به‌خطر نمی‌آید. چندین سال است که ترکیب اتحاد امم اسلامی مطرح می‌شود و مدام از اهمیت آن و نقش حیاتی آن در زمینه‌های گوناگون گفته می‌شود اتحاد و وحدتی که این‌گونه نویسندگان و رهبران مسلمان و ملت‌های اسلامی نعل در



برشی از کتاب "ادب حضور"



شرکت در
مجالس عزاداری
سیدالشهداء علیه السلام
نزدبای بسیار محکم
و راه میانبری است که

هیچ پیچ و خمی در آن وجود ندارد و باب گشوده ایست که هر کس از هر طریقی بدان متوسل شود، بار می یابد. لذا شرکت در مجالس عزاداری ماه محرم اصل کار است. در توضیح این معنا، اشاره ای به بیان مرحوم آیت الله قاضی به شاکردشان مرحوم سید هاشم حدّاد می کنیم که می فرمود:

«درست است که شما شاگرد من و زیر نظر من هستی، ولی هر چه می خواهی باید از امام حسین علیه السلام بگیری! این نه به آن معناست که اگر بروی در خانه حضرت علی علیه السلام را بزنی، در باز نمی شود. ما در زیارت جامعه هم داریم که «السَّلَامُ عَلَى الدَّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَالْأَوْلَادِ عَلَى مَرْصَاهِ اللَّهِ». اما از القاب امام حسین علیه السلام «الدَّلِيلُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ» است؛ یعنی امام حسین علیه السلام راهنما و دلیلی بر ذات خداست و انسان را مستقیم به ذات پروردگار می رساند. همچنین از ایشان نقل شده که می فرمود:

«من هر چه دارم از زیارت سیدالشهداء علیه السلام و قرآن دارم.»
و همچنین:

«توسله به سیدالشهداء علیه السلام جهت فتح باب سالکین و کشف حجب تأثیری عجیب دارد.»



استندآپ در قبرستان!

الصادق علیه السلام و درس خارج رهبری و حوزه علمیه قم و مؤسسه کیهان، کشاند به سر قبر مهسا امینی، چنان به دورین با افتخار نگاه می کند انگار توانسته اوست را فتح کند. دهان باز می کند و می گوید به نام خداوند رنگین کمان. ما می گوئیم **لله ما فی السموات و ما فی الارض من جمله رنگین کمان.** اما حداقل ما که می دانیم در ذهن پلید سازندگان این شعار چه می گذرد. ای که خداوند با قوم لوط محشورتان کند. ما در مقابلش فریاد می کشیم به نام خداوند حسین بن علی علیه السلام هنگامی که در مقابل خشک مقدسان جبهه آراست. او از مهسا امینی به عنوان حضرت مهسا یاد می کند. می بینید؟! خشک مقدسی و جهل مرکب این گونه است. از بردن لفظ حضرت برای اولیای خدا دریغ می کند و از سر لجاجت و جهالت برای هرکسی که مطامعش طلب کند، لفظ حضرت به کار می برد. خیلی هم عجیب نیست. از امیرالمؤمنین گویی به علی بن ابی طالب علیه السلام که سر باز بزنی باید خفت امیرالمؤمنین گویی به خلیفه شراب خوار اموی را تحمل کنی. نصیری در ادامه از امینی به عنوان منشأ انقلاب یاد می کند که البته بیشتر به استندآپ کمدی شبیه است. یکسان از انقلاب خیالی شان گذشته که گوشت تن یکدیگر را تکه و پاره کرده اند و هرکدام دیگری را متهم به زدنی و فساد و فحشا می کنند. این هم از عجایب تاریخ است. مقدس ماب جاهل، از فساد به فاسد پناه می برد. شمر هم می گفت علی علیه السلام نعوذ بالله کافر شده ولی در آخر در کنار کافرترین مردمان تاریخ نفس می کشید و شمشیر می زد. نصیری ها می روند، عبرت ها می مانند. خدایا به ما بینشی عطا کن که بتوانیم حق را از ناحق تشخیص دهیم. الهی عاقبت ما را ختم به خیر کن تا ادبیات عرب و وزن استغفالی که در حوزه علمیه تحت عنوان سرریز امام زمان علیه السلام، آموختیم را تبدیل به استمداد از روح هر کس و ناکسی نکنیم. بارها جز از تو و از اولیاء تو مدد نمی خواهیم که مدد ز غیر تو ننگ است.

به نام خداوند حسین علیه السلام. این یادداشت قرار بود به نمایش ذلت بار اخیر مهدی نصیری، طلبه حوزه علمیه، سردبیر سابق نشریه کیهان و عدالت خواه دوآتشه گذشته بپردازد. اما نویسنده تصمیم گرفت در ابتدا ذره بین را از روی آلت فعل که مهدی نصیری باشد، بردارد و بر روی فعل بگذارد. فعل را که بیایی، آلات فعل خودبه خود تحلیل می شوند و کنار می روند. مولای متقیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهایت حکمت فرمود: جاهل را نمی بینی مگر در افراط و تفریط. جهل، لاجرم به افراط و تفریط می کشد و گریزی از آن نیست. مهم نیست آخوند فقه و اصول خوانده هستی یا جوانک مزلف دانشگاه. جهلت تو را به افراط و تفریط می کشاند. اینجا هیئت میثاق با شهداست و حال که این نوشته را می خوانید شب اول محرم است. بگذارید سرع مصباح الهدی برویم. جبهه حق و باطل در سرزمین نینوا آن قدر زیبا در مقابل هم صف آرای کرده اند که می توان برای فهم حق از باطل و سره از ناسره تا ابد دست به دامن آن شد. روبروی حسین علیه السلام شخصیت عجیبی پای بر زمین می کوبد. عابد است و جانباز. می گویند وقتی پرده خانه خدا را در قبضه می گرفت و نجوا و مناجات می کرد حجاج از عجز و ناله او از خود بیخود می شدند و اشک و آهشان در مسجد الحرام طنین انداز می شد. توصیف قبل را دست کم نگیرید، بهترین منبری که می شناسید را تصور کنید، حال به جایش اسم شمر این ذی الجوشن را بگذارید. چه شد؟! توانستید تصور کنید؟ می شود اهل تهجد و عبادت بود و شمر بود. می شود جانباز بود و شمر بود و می شود وضو گرفت و سر عزیز پیمبر را برید. می بینید! هیچ کدام از این اعمال حسنه مانع شمر شدن ما نمی شود. جهل، از نماز شب خوان منتسک متعبد، شمر می سازد. اگر شمر را که در انتهای طیف جهالت و در عین حال مقدس مابی است بشناسیم، دیگر این خرده شمرها تعجب برانگیز نیستند.

جهل و لجاجت و زمانه شناسی، مهدی نصیری را از پای قال

از گذشته برای امروز

مدیون این مجالس روضه ایم

اگر نبود همین مجالس روضه ای که وقتی بچه بودیم پدر و مادرها دست ما را می گرفتند و به آن ها می بردند، اول محرم که می شد، می رفتیم پای منبر آقایان، مثلاً می گفتند ورود سیدالشهدا علیه السلام به کربلا در روز دوم بود؛ [اگر این مراسمات نبود] ما اصلاً با داستان کربلا آشنا نمی شدیم. اگر در تاسوعا و عاشورا، این دسته ها، هیئت ها، عزاداری ها و تعزیه خوانی ها نبود، ما اصلاً با دین آشنا نمی شدیم. بدون شک هزار برکت و نعمت های خدا که استفاده می کنیم، نهصد و نود و نه تایش از راه تجربه دیگران است.

علامه مصباح یزدی | ۱۳۹۰/۰۷/۰۷

